



تاریخ ۲۰۲۰/۱۰/۲۸

عبدالباري جهاني / مختصات افغانستان، بخش: نخبگان و مشاهیر

پوهاند داکتر خلیل الله هاشمیان، یکی از زبان شناسان بزرگ افغانستان



پوهاند داکتر خلیل الله هاشمیان، یکی از زبان شناسان بزرگ افغانستان، در سال ۱۹۲۶ میلادی در شهر قلات به دنیا آمد. بعد از فراغت از لیسه استقلال، به نسبت نشان دادن لیاقت فوق العاده، در درس مکتب، راساً داخل ماموریت وزارت خارجه شد. ده سال در وزارت خارجه خدمت نمود. و سالهای اخیر خدمت شان، در لندن، در حین ماموریت، به حیث سکرتر دوم سفارت، با یک خانم انگلیسی ازدواج نمود و طبق قانون اساسی افغانستان و لوایح وزارت خارجه، از خدمت نمودن در همان وزارت محروم گردیده و برطرف شد. هاشمیان، بعد ازین واقعه، رو به تجارت آورد و شش سال تمام مصروف تجارت بودند. بعداً شامل پوهنخی ادبیات و علوم بشری شده و سه سال بعد، در سال ۱۹۶۳ از پوهنخی فارغ و به حیث استاد همان پوهنخی قبول شدند. از سال ۱۹۷۱ تا سال ۱۹۷۳ مصروف تحصیل در یونیورسیتی کولومبیا بود و در ظرف دو سال درس ماستری خود را، به درجه اعلی، به پایان رسانده و کاندید دوکتورا شد. در سال ۱۹۷۷ دوکتورای خود را از همان یونیورسیتی

گرفته و به وطن برگشت. متأسفانه، که بعد از کمتر از یکسال، در وطن کودتای ثور صورت گرفت و استاد هاشمیان، که سازش با رژیم کمونیست وقت برایشان غیر ممکن بود، در سال ۱۹۸۰، مانند سایر روشنفکران و استادان، از وطن مهاجرت نموده و به سال

۱۹۸۲ مقیم امریکا شدند.

در امریکا هم، بنا بر علاقه مفرطی که با مسلک خود و با تدریس و استادی داشت، مدت پنج سال به حیث استاد یونیورسیتی در رشته زبان شناسی مصروف کار شدند. استاد هاشمیان از سال ۱۹۸۸، برای رساندن آواز افغانها به جهانیان، مجله آزاد و مشهور «آیین افغانستان» را، که بیانگر واقعی نظریات، عقاید و آرمانهای افغانان مقیم خارج کشور بود، تأسیس نمود. این مجله را ۲۶ سال تمام، با علاقه فراوان، به مصرف شخصی، که اکثراً دست نویس خودشان بود، به نشر سپرد. درین مدت پیوسته به ایالات متعدد امریکا سفرها نمودند، در کنفرانس ها و سیمینارها اشتراک نمودند. برای بلند نمودن آواز افغانها و به خاطر بوجود آوردن وحدت بین افغانان مقیم خارج از کشور به کانادا و اروپا مسافرت ها نمودند. نه تنها برای مجله آیین افغانستان دایماً مینوشت بلکه با سایر مطبوعات افغانها همکاری قلمی مینمودند. و در عالم مصروفیت های خود، زندگی امیر دوست محمد خان، اثر موهن لال را، که در دوجلد نگاشته شده بود، به فارسی ترجمه نمود و به نشر سپرد.

وقتی مردم فعالیت های قلمی استاد را میدیدند هیچ کس فکر نمیکرد که او گویا رنجور هم بوده باشد. استاد، حد اقل، چهار سال تمام، از تکالیف متنوع صحی رنج برد و در همین حال هم از نوشتن، که به یک نوع جنون تبدیل شده بود،

دست نکشید. بالاخره درجون سال ۱۹۱۸ در ایالت کلیفورنیای ایالات متحده چشم از جهان پوشید. روح شان شاد باد و یقین داریم که جای شان تا ابد خالی خواهد ماند. از خصایص استاد یکی هم صراحت لهجه بود. این خصوصیت شان به اندازهء برازنده بود که شاید برای خود دشمنانی را هم خلق نموده باشند. در سال ۱۹۶۸، وقتی محصل صنف اول پوهنځی ادبیات و علوم بشری بودم، هاشمیان استاد متون دري ما بود. با شهنامه فردوسي علاقه مفرط داشت. وقتی در جنگ رستم و سهراب به این ابیات رسید:

همی تاخت سهراب چون پیل مست xxx کمندی به بازو کمانی بدست

گرازان و چون شیر نعره زنان xxx سمندش جهان و جهان را کنان

این ابیات را به قسمی ادا مینمود گویی یک استاد دري نه بلکه یک دیکلماتور ورزیده بود. امروز استاد هاشمیان در میان ما نیستند ولی یقین دارم که نام شان، در قطار خدمتگزاران راستین ادب و قلم، زنده جاوید خواهد ماند.